

نقد مخالفان ایده علم دینی

سیدمحمدتقی موحد ابطیحی*

در این نشست موحد ابطیحی به یکی دیگر از دیدگاه‌های مطرح‌شده توسط مخالفان ایده علم دینی پاسخ داد:

ادعا شده است ایده علوم انسانی اسلامی مانند آب در هاون کوفتن و محال‌اندیشی است که هر عقل سلیمی متوجه می‌شود این ایده به نتیجه نمی‌رسد، همان‌گونه که در چهل سال گذشته این ایده ثمره‌ای نداشته است و در این سال‌ها میان عده‌ای بدون دلیل علمی و از سر مواجهه صرفاً ایدئولوژیک دارند سرمایه‌های انسانی و مالی را از بین می‌برند.

موحد ابطیحی در ابتدا اشاره کرد که ایده علم دینی اختصاصی به ایران پس از انقلاب اسلامی ندارد و ایده علم قدسی توسط دکتر سیدحسین نصر قبل از انقلاب مطرح گردیده و در حوزه‌هایی که ایشان مسئولیت داشتند تلاش‌هایی برای پیاده‌سازی آن صورت گرفت. همچنین این ایده اختصاصی به ایران ندارد و در جهان اسلام هم دست کم ۵۰ سال سابقه دارد و حتی فراتر از آن در جهان ادیان هم پیروانی دارد که برای مثال می‌توان به کتاب علم مسیحی اشاره کرد که توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر شده است.

نکته مقدماتی دیگری که موحد ابطیحی به بیان آن پرداخت این بود که طرح مباحثی در ارتباط با امکان و ضرورت و چگونگی علم دینی، به بهانه پاسخ به شبهات مخالفان علم

* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (smtmabtahi@gmail.com).

دینی به نحوی بازگشت به عقب است و طرفداران علم دینی در مواجهه با شبهاتی که در این باره مطرح می‌شوند، اشاره کنند که این اشکالات چند دهه قبل مطرح شده و در قالب کتاب و مقاله به آن پاسخ داده شده است و اقتضای یک کار علمی آشنایی با ادبیات و پیشینه بحث است و تکرار یک نقد قدیمی، بدون توجه به پاسخ‌هایی که به آن داده شده است را خارج از کار علمی باید تفسیر کرد.

عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برای پاسخ به پرسش مطرح شده توسط دبیر علمی نشست از مقدمه دوم خود بهره گرفته و اشاره کرد که شهریور ۱۴۰۲ مقاله‌ای با عنوان آینده علوم انسانی در ایران نوشته و در آن به این پرسش پاسخ داده است. به عقیده وی کسانی که بدون اشاره به این مقاله و مقالات دیگری که در این باره نوشته شده است، ایده علم دینی را فاقد آینده می‌دانند، نشان می‌دهند که با ادبیات و پیشینه بحث آشنایی ندارند.

موحد ابطحی اشاره داشت که در ابتدای مقاله به استناد ادله و شواهدی نشان داده است که علوم انسانی اسلامی می‌تواند موضوعی برای مطالعات آینده پژوهانه باشد. در ادامه به دو نوع آینده پژوهی پیشینی (مبتنی بر استدلال) و آینده پژوهی مبتنی بر شواهد که در ارتباط با ایده علم دینی توسط مخالفان مطرح شده است اشاره و به آن پاسخ داد.

مخالفان علم دینی استدلال می‌کنند که علم دینی همانند مثلث چهارگوش یک مفهوم پارادوکسیکال است و هر تلاشی صورت گیرد چنین ایده‌ای نمی‌تواند در هیچ جهان ممکن مصداق داشته باشد. با این استدلال ایده و جریان علم دینی محکوم به شکست است، اما این استدلال مرتکب خلط مقام تعریف و تحقق (ثبوت و اثبات) شده است. آری! مثلث در مقام تعریف حتماً سه ضلع دارد، اما چنین مثلثی اصولاً نمی‌تواند در جهان خارج تحقق یابد. مخالفان علم دینی، علم و دین را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که در عالم خارج تحقق نیافته است. می‌توان علم و دین را به گونه‌ای تعریف کرد که در عرض و ارز

هم نباشند و بنابراین نه با هم وفاق داشته باشند نه تعارض و در نتیجه ترکیب علم دینی؛ مانند مثلث سه گوش به نظر رسد، اما اگر معرفت علمی و معرفت دینی را آن گونه که در عالم خارج تحقق یافته‌اند بررسی کنیم، درمی‌یابیم که این دو می‌توانند با هم تعاملاتی داشته باشند. موحد ابطی در مقاله خود شواهدی از مخالفان علم دینی آورده که نشان می‌دهد آنها هم علم دینی را به صورت پیشینی محال نمی‌دانند و برخی از تقریرها از علم دینی را نه تنها ممکن که حتی تحقق یافته می‌دانند.

در بخش دیگر وی به پاسخ ادعای آن بخش از آینده‌پژوهی مخالفان علم دینی پرداخت که مبتنی بر تجربه‌های ناموفق ایده و جریان علم دینی حکم کرده‌اند که علم دینی آینده‌ای نخواهد داشت. وی اذعان داشت که ممکن است در ابتدای شکل‌گیری جریان علم دینی تصویری خام از این ایده وجود داشت که در هر حوزه‌ای از دانش چنین چیزی طبیعی به نظر می‌رسد، اما اگر روند جریان علم دینی را در ۵۰ سال گذشته در عرصه جهانی یا ایران بررسی کنیم درمی‌یابیم که این جریان به مثابه یک برنامه پژوهش علمی (به تعبیر لاکاتوش) برنامه‌ای رو به پیشرفت (نه رو به زوال) بوده است برخی از شواهدی که موحد ابطی به آن اشاره کرد عبارت‌اند از:

ابتدای انقلاب تصور می‌شد با پیوست برخی آیات و روایات یا کلمات اندیشمندان اسلامی به آثار غربی و نقد بخش‌های دیگری از آن آثار می‌توان علم را اسلامی کرد، اما خیلی سریع این تصور خام کنار رفت و فعالان علوم انسانی اسلامی با بهره‌گیری از دستاوردهای تاریخ و فلسفه علم و علوم انسانی، تقریرهای بسیار بهتری از علم دینی ارائه کردند؛ برای مثال تقریر علم دینی در چهارچوب برنامه پژوهش علمی لاکاتوش که در سال ۱۳۸۲ توسط دکتر خسرو باقری ارائه شد.

در مقطعی درکی نسبت به حکمرانی علوم انسانی اسلامی وجود نداشت، اما در سال ۱۳۸۷ این تفتن حاصل شد و در این باره اقداماتی توسط شورای تحول و ارتقای علوم

انسانی و... انجام گرفت.

فعالان علوم انسانی اسلامی دریافتند که باید آثار خود را نه تنها در عرصه داخلی، بلکه در نشریات معتبر بین‌المللی منتشر کنند. در سال‌های اخیر انبوهی از مقالات علوم انسانی با رویکرد اسلامی در نشریات معتبر بین‌المللی منتشر شده است. رشد شعب بانکداری اسلامی در کشورهای اروپایی و امریکا در دهه‌های گذشته و دوره‌های آموزشی که در کشورهای اروپایی در زمینه بانکداری اسلامی برگزار می‌شود نشان از توجه جامعه جهانی به این ظرفیت مالی (بانکداری اسلامی) دارد.

در پایان موحد ابطی توصیه‌ای به فعالان علوم انسانی اسلامی داشت: حال که مخالفان علم دینی، ایده جدیدی در نقد مطرح نمی‌سازند، از باب اینکه نقد مقدمه پیشرفت و تقرب به حقیقت می‌شود، شایسته است فعالان علوم انسانی به نقد درون‌گفتمانی ایده و جریان علم دینی پردازند و بکوشند پس از آسیب‌شناسی این ایده و جریان، راه‌هایی برای برطرف کردن آن عرضه کنند تا به این طریق ایده و جریان علم دینی با سرعت و قدرت بیشتری بتواند قابلیت‌های خود را در عرصه داخلی و در جهان اسلام و حتی در میان کشورهای غیراسلامی به نمایش گذارد.